



## شاهرخ بیانی؛ آبی، قرمز و دوباره آبی

# به خاطر چند متر زمین

دقیقه بعد، ناصر محمدخانی با حرکتی انفرادی کار را تمام کرد. مجله کیهان ورزشی عکس او را روی جلد انداخت و تیت‌ر زد: «فرارهای هشت برای سه گل». محمدخانی بهترین بازیکن زمین بود اما چهره ویژه آن دربی، کسی نبود جز شاهرخ بیانی که به هوای زمین سعادت‌آباد با پیراهن قرمز ۲ گل زد. این آخرین دربی ناصر حجازی به عنوان دروازه‌بان استقلال بود و اولین برد پرسپولیس بعد از انقلاب.

### پرده سوم: آبی کمرنگ

رویای زمین سعادت‌آباد، فقط در خواب و خیال باقی ماند. شاهرخ بعد از یک سال، مدتی راهی قطر شد و در سال ۶۸ دوباره به استقلال برگشت. او در سال ۶۹ در دربی‌ای که ستاره‌اش امیر قلعه‌نویی بود، بازو بند کاپیتانی را بر بازو بسته بود و همراه با پرستاره‌ترین استقلال تاریخ، قهرمان لیگ و آسیا شد اما استقلالی‌های دو آتش هیچ‌وقت او را به خاطر همان یک سالی که قرمز را ترجیح داد، نبخشیدند. شاهرخ بیانی در سال‌های ۶۸ تا ۷۱ در شش دربی برای استقلال به میدان رفت، سه بار کاپیتان بود و یک گل هم از روی نقطه پنالتی زد و البته در همه این سال‌ها، موفق نشد شایعاتی که درباره دربی شماره ۳۵ به گوش می‌رسد را تکذیب کند.

در آن بازی، استقلال با دو گل ورمزیار و مرفاوی در همان نیمه اول پیش افتاد. پرسپولیس که محمد پنجعلی و محسن عاشوری را در اختیار نداشت، در موقعیت بغرنجی بود و جریان بازی به گونه‌ای بود که استقلال می‌توانست شکست سنگین‌تری را به حریف تحمیل کند. گفته می‌شود شاهرخ بیانی در بین دو نیمه به چند بازیکن تیمش سفارش می‌کند که هوای «علی آقا» را داشته باشند و گل‌های بیشتری زنند. این شایعه وقتی پررنگ می‌شود که بدانیم او در همه آن سال‌ها رابطه حسنه‌اش با علی پروین را حفظ کرده بود اما اگر این داستان هم حقیقت نداشته باشد، خاطره دربی سال ۶۵ و آن شکست ۳-صفر همیشه محفوظ است. شاهرخ بیانی یکی از آنهایی بود که انتقالش به تیم رقیب، کمکی به فوتبالش نکرد.

در سال ۶۵، تیم‌های تهرانی باز هم دو گروه شدند. این بار چاره‌ای جز برگزاری دربی نبود؛ استقلال در آخرین بازی مرحله گروهی با گل دقایق پایانی محمود پازوکی، مقابل شاهین متوقف شد و در نیمه نهایی به تور پرسپولیس خورد. ۹۸۲ روز بعد از دربی سال ۶۲ که با گل پرویز مظلومی به پایان رسیده بود، دو تیم روبه‌روی هم ایستادند؛ با این تفاوت که این بار شاهرخ بیانی پیراهن شماره ۱۰ قرمزها را پوشیده بود. بازی هنوز به دقیقه ۱۵ نرسیده بود که سعید مراغه‌چیان، ناصر محمدخانی را سرنگون کرد؛ پنالتی! پیش از بازی در رختکن پرسپولیس قرار گذاشته بودند اگر پنالتی در کار باشد، شاهرخ بزند. پنالتی شد و زد، به طاق

عادت کرده‌ایم که به پیروی از نظریه «قدیم‌ا همه چیز بهتر بود» از تعصب بی پایان فوتبال‌لیست‌ها به پیراهنی که تن‌شان بود، حرف بزنیم. نه اینکه نبود، در قیاس با امروز، تعصب و وفاداری به پیراهن مفاهیم پررنگ‌تری بود اما در همه تاریخ «پول» نقشی بی‌بدیل داشته. پول، ستاره‌ها را وسوسه می‌کرد به هواداران پشت کنند. مثل همان کاری که شاهرخ بیانی کرد؛ تغییر رنگ از آبی به قرمز در میانه‌های دهه شصت.

دروازه ناصر حجازی که بی حرکت ایستاده بود. در نیمه دوم، پاس بی نقص محمدخانی که شماره ۸ می‌پوشید، بیانی را در موقعیت گل قرار داد و او هم این فرصت را از دست نداد. شاهرخ بیانی ۲ - استقلال صفر. تماشاگرانی که با پرچم‌های آبی در نیمه جنوبی زمین مستقر شده بودند، باور نمی‌کردند که ستاره سابق‌شان چطور بعد از هر گل، از شادی به هوا می‌پرد و پرچم‌های قرمز رنگ را بالا و بالاتر می‌برد. چند

تای اصلی استقلال بود و همراه با برادرش شاهین، حاجیلو و مراغه‌چیان، یکی از ۴ بازیکنی شد که در همه دربی‌های سال‌های ۵۸ تا ۶۲ به زمین رفت. او خوش تکنیک، گلزن و خوش چهره بود و برای محبوب شدن همه فاکتورهای لازم را داشت. سال ۶۲ برای شاهرخ بیانی سال سرنوشت‌سازی بود. او اگرچه در پرتماشاگرترین دربی تاریخ، نقش مستقیمی در برد تیمش نداشت اما ۶ گلی که در طول فصل زد (از جمله دو تک گل به تهران‌جوان و آرارات)، به استقلال کمک کرد که برای اولین بار بعد از انقلاب قهرمان باشگاه‌های تهران شود. از همین جا بود که جایگاه او در تیم ملی هم تضمین شد.

### پرده دوم: قرمز پررنگ

شاهرخ در فصل ناتمام فوتبال تهران در سال ۶۳ هنوز استقلالی بود ولی یک سال بعد، آبی را کنار گذاشت و رفت. خودش در این سال‌ها روایت‌های مختلفی از دلیل جدایی‌اش نقل کرده. از اختلاف با سعید مراغه‌چیان گفته و اینکه مدیران وقت باشگاه، دیگر او را نمی‌خواستند اما روایت پررنگ‌تر، ماجرای زمینی در منطقه سعادت‌آباد است که به او وعده داده بودند. جایی گفته بود: «با علی پروین رفتیم سعادت‌آباد. دور زمینی را خط کشیده بودند و با گچ نوشته بودند شاهرخ بیانی.» البته در میانه دهه شصت، زمین‌های سعادت‌آباد ابتدا قدر و قیمت امروز را نداشت اما برای فوتبال‌لیستی که عایدی‌اش از فوتبال تقریباً هیچ بود، ۲۵۰ متر زمین به شدت وسوسه کننده بود. شاهرخ در سال ۶۴ یک سال بیرون نشست چرا که در آن دوران قانون عجیبی تصویب شده بود؛ هر بازیکنی که بخواهد بین استقلال و پرسپولیس جابه‌جا شود، یک سال حق بازی کردن ندارد! استقلال در غیاب او، بار دیگر قهرمان تهران شد. در آن سال تیم‌های پایتخت را به دو گروه تقسیم کرده بودند تا شانس رویارویی استقلال و پرسپولیس به حداقل برسد. هر دو داشتند صعود می‌کردند که گفتند رضا عابدیان، مهاجم جوان پرسپولیس مشمول خدمت سربازی است و سه بازی قرمزها را ۳-صفر کردند. پرسپولیس صعود نکرد تا استقلال در فینال شاهین را شکست دهد.



علی مغانی

Ali Moghani

این روزها پوشیدن رخت تیم رقیب، حساسیت چندانی را برانگیخته نمی‌کند. رسانه‌ها واژه «یاغی» را از گنج‌ه بیرون می‌آورند، کانال‌های هواداری کمی سر و صدا می‌کنند و بعد از چند روز هیاهوی مجازی در شبکه‌های اجتماعی، از خیر موضوع بیات شده می‌گذرند و سراغ جنجال تازه‌ای می‌روند اما در دهه‌های شصت و هفتاد، رنگ عوض کردن گناهی نابخشدنی بود.

عادت کرده‌ایم که به پیروی از نظریه «قدیم‌ا همه چیز بهتر بود» از تعصب بی پایان فوتبال‌لیست‌ها به پیراهنی که تن‌شان بود، حرف بزنیم. نه اینکه نبود، در قیاس با امروز، تعصب و وفاداری به پیراهن مفاهیم پررنگ‌تری بود اما در همه تاریخ «پول» نقشی بی‌بدیل داشته. پول، ستاره‌ها را وسوسه می‌کرد به هواداران پشت کنند. مثل همان کاری که شاهرخ بیانی کرد؛ تغییر رنگ از آبی به قرمز در میانه‌های دهه شصت.

### پرده اول: آبی پررنگ

۹ ماه بعد از پیروزی انقلاب، استقلال و پرسپولیس در یک بازی دوستانه روبه‌روی هم قرار گرفتند. بازی دوستانه‌ای که عاقبتش ابتدا دوستانه نبود و با هجوم تماشاگران به زمین، ناتمام ماند. در استقلال دیگر خبری از ایرج دانایی‌فرد، آندرانیک اسکندریان و حسن نظری نبود اما نشانه‌هایی از نسل دست پرورده ولادیمیر کجیک در این تیم دیده می‌شد؛ رضا نعلچگر، سعید مراغه‌چیان، اصغر حاجیلو، پرویز مظلومی، شاهین و شاهرخ بیانی. شاهرخ که در ۱۷ سالگی لیگ تخت جمشید را با پیراهن آبی تجربه کرده بود، در اولین دربی بعد از انقلاب یکی از ۱۱